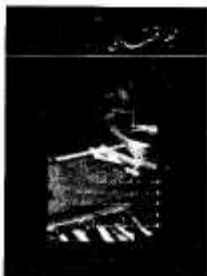


## مجله اقتصادی

ماهنامه داخلی حوزه معاونت امور اقتصادی  
دوره دوم • سال اول • شماره ۱۱، شهریور ۱۳۸۱



- صاحب امتیاز: معاونت امور اقتصادی
- مدیرمسئول: سعید شیرکوند
- سردبیر: علی دهنی ترکمانی

## بهنام خدا

مصوبه اخیر 'شورای عالی نظام اداری' مبنی بر حذف قرارداد رسمی در استخدامهای آینده دولتی از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و تأمل است. مطلب آغازین این شماره با نگاهی کوتاه بر این مصوبه شرایط تحقق اهداف مدنظر از اجرای آن را به بحث گذاشته است. «قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶» و نارسایی‌های آن به تفکیک مواد این قانون به تفصیل در مطلب اول اقتصاد ایران بررسی و توصیه‌های لازم برای رفع نارسایی‌ها و کمبودهای موجود ارائه شده است.

دقت شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در اندازه‌گیری تورم و آثار تورم بر گروه‌های مختلف درآمدی بسته به نوع و تعداد مشاهدات آماری و طبقه‌بندی آن‌ها تغییر می‌کند. مقاله دوم بخش اقتصاد ایران اشکالات و محدودیت‌های موجود در روش اندازه‌گیری فعلی این شاخص را که به برآوردهای غیر دقیق می‌انجامد، مورد بررسی فنی قرار داده است. در افکار عمومی این باور وجود دارد که میزان سود بانکی وام‌های 'صندوق‌های قرض‌الحسنه' در مقایسه با وام‌های دیگر پایین‌تر است. مطلب «نقدی بر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه» با استناد به مشاهدات مستقیم برگرفته از یک صندوق قرض‌الحسنه بر آن است که نشان دهد برخلاف چنین باوری میزان سود بانکی بسیار بالا و غیرقابل تصور است. حسابرسی نقش بسیار مهمی در افزایش پاسخگویی و مسؤلیت‌پذیری نظام اداری دارد. مطلب سوم بخش اقتصاد ایران، به مثابه مدخلی برای ورود به این بحث، ضمن بررسی مزایای حسابرسی به جایگاه آن در اقتصاد ایران نیز اشاره‌ای دارد. بانک‌های توسعه‌ای مانند 'بانک صنعت و معدن' در واقع بانک‌های تخصصی برای نه تنها تأمین منابع مالی لازم جهت انباشت سرمایه در بخش‌های مولد بلکه نظارت و هدایت فرایند توسعه نیز هستند. مطلب پایانی بخش اقتصاد ایران به تفصیل تاریخچه شکل‌گیری چنین بانک‌هایی و وظایف آن‌ها را در جهان و ایران به بحث گذاشته است.

قسمت دوم مقاله «سیاست‌مداران لایق و سیاست‌های ناموفق» به معیارهای اندازه‌گیری اعتماد و رابطه همبستگی اجتماعی و عملکرد نهادها با رشد و توسعه اقتصادی پرداخته است و نشان می‌دهد که همبستگی اجتماعی، حاکمیت قانون و تنش‌های قومی کمتر به رشد و توسعه بیشتر می‌انجامد. تجربه خصوصی‌سازی کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان شرقی (سابق)، پاکستان در بخش انرژی برق، نفت و گاز در مطلب دوم بخش اقتصاد توسعه بررسی شده است.

'پول‌شویی' و رابطه آن با نظام مالی بین‌المللی و همین‌طور مجموعه عواملی که موجب رشد و رونق آن می‌شود در نوشتار «تطهیر پول و نظام مالی بین‌المللی» به تفصیل به بحث گذاشته شده است. قسمت سوم و پایانی مقاله بلند «جنگ نفت» مبارزه قدرت‌های جهانی آمریکا، روسیه و چین بر سر تصاحب میادین نفتی حاشیه دریای خزر و کشورهای تازه استقلال یافته را مورد بررسی قرار داده و کارکرد جنگ افغانستان در این مورد را موثکفانه تحلیل کرده است. بخش اطلاع رسانی شامل سه مطلب است. مطلب اول به روال شمارهای پیشین به ترتیب معرفی یکی دیگر از مکاتب اقتصادی، مکتب نهادی، می‌پردازد. مطلب دوم و سوم نیز به معرفی «گزینه بانک» و «تحولات بازار بورس» در ۱۳۸۰ اختصاص دارند.

سرآغاز سخن: اعمال سیاست درآمدی، با کدام رویکرد؟

### اقتصاد ایران

- ۲ بررسی نارسایی‌های مواد قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ / زیور حسامی‌زاده -  
عزیزش غیبی  
۳ بررسی اشکالات و محدودیت‌های شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی / رضا ابراهیمی  
۷ نقدی بر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه / احمد زمانی  
۱۴ نقش حسابرسی در عملکرد اقتصادی و جایگاه آن در اقتصاد ایران / بهادر بهاء‌الدین  
۱۵ نقش بانک‌های توسعه‌ای در فرایند توسعه اقتصادی ایران / پژمان سامانی

### اقتصاد توسعه

- سیاستمداران لایق و سیاست‌های ناموفق همبستگی اجتماعی، نهادها و رشد / جورنیزن، ویلیام  
۲۷ سیرنی، مایکل وولکانک / ترجمه سعید صادق پور  
۳۲ مروری بر روند جهانی خصوصی‌سازی در زیر بخش‌های انرژی / امهری رحیمی‌فر

### اقتصاد پول و بانک

- ۳۸ تطهیر پول و نظام مالی بین‌المللی / علی حسن‌زاده - بهنام مرادی

### اقتصاد بین‌الملل

- ۴۵ جنگ نفت / فرهاد شمیم و کنراد شولر / ترجمه جوادی طالعی

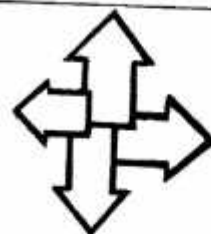
### اطلاع رسانی

- آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب نهادی / وارن، ج. ساموئلز - لیلیب کلاین / ترجمه  
۵۷ سعید حسین میرجلیلی  
آشنایی با الگرم بانک و فعالیت آن / آناهیتا باقرزاده  
۶۸ بررسی عملکرد بورس اوراق بهادار تهران در ۱۳۸۰ / نسرين پرستش  
۶۲

- مدیر داخلی: انور سپهری
- ویراستار: شهبان مقدم
- سرورفچین: طوبی پورفرمان
- طراح: نوشین آفره‌سین

مجله در برپایش مطالب آزاد است. مقاله‌های منتشر شده لزوماً به معنای دیدگاه معاونت امور اقتصادی نیست. مجله اقتصادی با استقبال از طرح نقطه‌نظرهای شما، آماده دریافت مطالب ارسالی است. لطفاً مقاله‌های خود را به نشانی زیر ارسال فرمائید.  
خیابان پاسداران - خ شهید محبت سوری (پست‌خانه مطبوعه) شماره ۶۲۲/۴ - معاونت امور اقتصادی  
کد پستی ۲۱۱۲۴ - ۱۱۲۲۲۸ تلفن ۲۵۶۳۳۲۰ - ۲۵۶۳۳۲۰ - ۲۵۶۳۳۲۰

## اطلاعات رسانه‌ای



## آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب نهادی<sup>۱۰</sup>

ترجمه: سیدحسین میرجلیلی

(دکترای اقتصاد و استادیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی)

\*\*\*

وارن. ج. سامونلز

به غیر از مارکسیسم که دارای خنثی‌سازی جنبش اجتماعی<sup>۱</sup> نیز هست، اقتصاد نهادی، مکتب اصلی اندیشه هترودوکس<sup>۲</sup> در اقتصاد بوده است. مکتب نهادی از ایالات متحده آمریکا نشأت گرفته و هنوز تا حد زیادی در آنجا متمرکز شده است. مکتب نهادی از ایالات متحده آمریکا نشأت گرفته و هنوز تا حد زیادی در آنجا متمرکز شده است، از یک طرف انتقادهایی از جریان اصلی اقتصاد نئوکلاسیک (و اقتصاد مارکسی) مطرح کرده است و از سوی دیگر در حال ایجاد برداشت دیگری از علم اقتصاد و برداشت دیگری برای انجام تحلیل و پژوهش اقتصادی است. به این ترتیب تا حدی، نشان‌دهنده تداوم سنت تاریخی آلمان و انگلستان از جمله: ماکس وبر<sup>۳</sup> است و اندیشه‌های نویسندگانی مانند جان هابسون<sup>۴</sup> را دوباره مطرح کرده است. ارتباط دقیق میان اقتصاد نهادی هترودوکس با اقتصاد نئوکلاسیک ارتدوکس بنا عسایت به ملاحظات زیر، پیچیده است: وضع جامعه ناسانه ناخوشایند هترودوکسی در داخل رشته اقتصاد؛ مطالب ضده و نقیض<sup>۵</sup> در داخل مکتب نهادی درباره این ارتباط؛ بررسی نهادگرایان فکر می‌کنند که این دو مکمل یکدیگرند و سایرین فکر می‌کنند که این دو مانع‌الجمع<sup>۶</sup> هستند و حضور دو سنت متفاوت و تا اندازه‌ای متضاد در درون مکتب نهادی که یکی از تورستن ویلن<sup>۷</sup> سرچشمه گرفت و توسط کلارنس آبرز<sup>۸</sup> تداوم یافت و دیگری با

جان ر. کامونز<sup>۹</sup> آغاز می‌شود. سنت ویلن - آبرز بر نقش پیش رونده فن‌آوری و نقش بازدارنده نهادها، متمرکز شده است؛ سنت کامونز کمتر شیفته ضرورت‌های فن‌آوری<sup>۱۰</sup> است و به نهادها، به‌عنوان شیوه‌های اقدام جمعی بیشتر به‌طور حتمی (بر طرف)، می‌نگرد؛ دو عین حال هر دو می‌پذیرند که عملکرد تحقق یافته اقتصاد بیشتر تابعی از فن‌آوری و نهادها است. به‌رغم تفاوت آن دو، هسته مشترک<sup>۱۱</sup> تحلیل مکتب نهادی شاید دارای تنوع بیشتری از صورت‌گیری در مقایسه با مکتب مارکس یا مکتب نئوکلاسیک نباشد.

در مقابل جریان اصلی اقتصاد که معتقد است مسائل گانوسی اقتصاد، تخصیص منابع، توزیع درآمد، و تعیین سطوح درآمد، محصول و قیمت‌ها هستند، اقتصاددانان مکتب نهادی بر اولویت مسأله سازمان و کنترل نظام اقتصادی، یعنی ساختار قدرت آن، تأکید می‌کنند. بنابراین از آنجا که اقتصاددانان ارتدوکس قویاً گرایش دارند تا اقتصاد را منحصراً با بازار یکی قلمداد کنند، اقتصاددانان نهادی مطرح می‌کنند که بازار خود یک نهاد است که شامل گروهی از نهادهای فرعی است و با سایر مجموعه‌های نهادی در جامعه تعامل دارد. به‌طور خلاصه، اقتصاد بیش از سازوکار بازار است: اقتصاد شامل نهادهایی است که ساختار را شکل می‌دهند و از طریق آن عمل می‌کنند یا کانال عملیات بازار هستند. موضع نهادگرایی بنیادین این است که این بازار نیست بلکه ساختار سازمانی اقتصاد بزرگ است که به‌طور مؤثر منابع را تخصیص می‌دهد.

بنابراین تا آنجا که اقتصاددانان نئوکلاسیک و مکتب نهادی، بررسی‌های یکسانی مانند: تخصیص منابع را بررسی می‌کنند، مکتب نهادی بیشتر حاوی مجموعه وسیع‌تر یا عمیق‌تری از متغیرهای توضیحی است: به جای آن‌که قیمت و تخصیص منابع تابعی از عرضه و تقاضا در یک بازار مفهومی محض<sup>۱۲</sup> باشند، عرضه و تقاضا به نوبه خود مربوط به ساختار قدرت (ثروت، نهادها) است که به شکل دادن آن‌ها کمک می‌کند. ساختار قدرت به نوبه خود به حقوق قانونی مربوط است، از آن روی به استفاده از دولت در شکل‌دهی حقوق قانونی مهم اقتصادی و در نتیجه اثرگذاری بر تخصیص منابع، سطح درآمد و توزیع ثروت، مربوط است.

اما نهادگرایان اغلب کمتر با قیمت و تخصیص منابع فریضه درگیر هستند و بیشتر درباره مسأله سازمان و کنترل اقتصاد به بحث می‌پردازد. یعنی با عملکرد مشاهده شده خاص ساختار قدرت (حقوق) و همچنین فن‌آوری درگیر هستند. بنابراین نهادگرایان به‌عنوان مثال علاقه‌مند به شکل‌گیری و نقش نهادها و ارتباط‌های متقابل میان نظام‌های حقوقی و اقتصادی و میان نظام عقیدتی و قدرت هستند. اگر نهادگرایان اصرار کنند که اقتصاد شامل بیش از سازوکار بازار است، در آن صورت مخالف تعادل و شیوه‌های بهیگی پیش فرضی<sup>۱۳</sup> تحلیل اقتصاد نئوکلاسیک نیز هستند. به‌نظر می‌رسد جستجوی شرایط فنی درمیستیک تعادل پایدار، قدرت بنیادین و جنبه‌های انتخابی اقتصاد را دچار ابهام می‌کند.

جستجوی بهیمنگی یا جستجوی راه حل‌های بهینه نیز به‌نظر می‌رسد یا به‌طور رسمی خالی است. یا با واردکردن، گاهی به‌طور ضمنی، فرض ناهنجاری مقدم<sup>۱۲</sup> برای کسانی که علاقمندی‌هایشان در نظر گرفته می‌شود، مبنایی به آن‌ها داده شود، در حالی که در جهان واقعی، چنین پرسش‌هایی، هم در داخل نهادها و هم از طریق مبارزه برای اصلاح و تعدیل نهادی، باید به‌شدت روی آن کار شود.

### در مقابل جریان اصلی اقتصاد که معتقد است مسایل کانونی اقتصاد تخصیص منابع توزیع درآمد و تعیین سطوح درآمد محصول و قیمت‌ها هستند اقتصاددانان مکتب نهادی بر اولویت مسأله سازمان و کنترل نظام اقتصادی یعنی ساختار قدرت آن تأکید می‌کنند.

رویکردی‌های کانونی اندیشه نهادی؛ کل‌گرایی<sup>۱۵</sup> و تکامل‌گرایی<sup>۱۶</sup> است. بنابراین موضوعات اصلی اقتصاد نهادی شامل موارد زیر است:

۱. اقتصاد نهادی یک نظریه تحول اجتماعی است، یک جهت‌گیری فعال‌گرا به‌سوی نهادهای اجتماعی. از طریق تمرکز بر اثر اساسی نهادها بر عملکرد اقتصادی و تمرکز بر فرایندهای تحول نهادی. تلقی از نهادها نه به‌عنوان چیزی که مفروض در نظر گرفته می‌شود<sup>۱۷</sup> بلکه به‌عنوان ساخته بشر و قابل تغییر، به‌صورت عمدی و یا غیرعمدی.
۲. اقتصاد نهادی، نظریه کنترل اجتماعی و انتخاب جمعی یا نظریه نهادها است که در آن تمرکز بر شکل‌گیری و کارکرد نهادها به‌عنوان علت و پیامد ساختار قدرت و رفتار اجتماعی شده<sup>۱۸</sup> افراد و زیر گروه‌ها و به‌عنوان شیوه‌ای است که از طریق آن اقتصادها سازمان‌دهی شده و کنترل می‌شوند. به‌جای تمرکز روی سازوکارهای<sup>۱۹</sup> انتخاب از درون مجموعه فرصت‌ها، تمرکز بر شکل‌گیری مجموعه فرصت‌ها؛ به‌جای تمرکز بر آزادی رها شده بازار<sup>۲۰</sup>، تمرکز بر الگوی پیچیده و نام آزادی و کنترل است. یعنی در شکل‌گیری و کارکرد نظام کنترل‌کننده از طریق آن هم مجموعه فرصت‌های موجود و هم آزادی شکل گرفته‌اند.
۳. نظریه نقش اقتصادی دولت به‌عنوان یک فرایند اجتماعی اصلی که از طریق آن هم خود دولت و هم سایر نهادهای هم اقتصادی تا حدی شکل گرفته و بازنگری شده‌اند. به‌جای تلقی از دولت، قانون و نظام حقوقی به‌عنوان مفروض و یا برون‌زا، این موارد به‌عنوان هم مستقل و هم وابسته، و همواره حیاتی در نظر گرفته شده است. نه آن که فقط انحراف از وضع طبیعی متغیرهای اقتصادی قلمداد شود.
۴. نظریه فن‌آوری، به‌عنوان معرفت و تعیین‌کننده کمپایی نسبی تمامی منابع و به‌عنوان یک نیروی اصلی در تکامل ساختار (شامل کارکرد نهادها) و عملکرد اقتصاد و به‌عنوان مبنای مطلق صنعتی شدن است که ذهنیت و همچنین عملکرد اقتصادهای نوین را ایجاد می‌کند.

۵. این اصل اساسی که تعیین‌کننده واقعی تخصیص منابع، بازار نیست بلکه ساختار سازمانی - نهادی، قدرت - جامعه است.

۶. تأکید بر وجه مختلف مفهوم ارزش که فراتر از قیمت است. تأکید بر ارزش‌های مجسم شده در آن و اثر مفروض ناشی از عادت‌ها و آداب و رسوم زندگی اجتماعی. تأکید بر ارزش‌های ایزاری و پراگماتیک موجود در مفهوم متعالی فرآیند زندگی انسان و جامعه، و تأکید بر ارزش‌های ساختاری نهفته در درون آن و اثر مفروض ناشی از حاکمیت کارآمد قانون<sup>۲۱</sup> که مینا و محصول ساختار قدرت جامعه است. موارد یاد شده تلاش‌هایی هستند به‌منظور درک فرآیندی که به‌وسیله آن ارزش‌ها دگرگون شده‌اند، در مقابل فرض ارتدوکس که ارزش‌ها را مفروض در نظر می‌گیرد؛ یعنی پرسش‌هایی مانند این‌که: ارزش‌ها از کجا می‌آیند؟ چگونه ارزش‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرند؟ و چگونه ارزش‌ها دگرگون می‌شوند؟ در اقتصاد در نظر گرفته شود.

در شرح و بسط این موضوع‌ها به‌عنوان مثال می‌توان تأکید و بن‌بر وضع جساءطینی از راه تقلید و رقابت<sup>۲۲</sup> به‌عنوان نیروی اصلی شکل‌گیری رفتار اقتصادی را یافت، از جمله (از طریق و تخریبی متظاهرانه<sup>۲۳</sup> و انجام مقایسه‌های حسادت‌انگیز<sup>۲۴</sup> شکل‌گیری تقاضای مصرف‌کنندگان؛ تحلیل کامونز از تکامل مبنای قانونی بنیادین اقتصاد نوین؛ نظریه منطبق ایزاری و ارزش اجتماعی جان‌دوی<sup>۲۵</sup>، تحلیل کنترل اجتماعی کسب و کار<sup>۲۶</sup> توسط جان مورس کلارک<sup>۲۷</sup>، تأکید ولسلی میشل<sup>۲۸</sup> بر اقتصاد به‌عنوان یک پدیده پولی<sup>۲۹</sup>؛ تحلیل‌های کامونز و سلینگ پرل‌من<sup>۳۰</sup> از اتحادیه‌های کارگری به‌عنوان یک شیوه نشان دادن علایق کارگران و شیوه ایجاد تحول نهادی؛ تلاش‌های ادوین‌ای، وینه<sup>۳۱</sup> و کامونز در ایجاد نهادهای جدید برای تحت‌شموع درآوردن و حمایت از علایق فراینده و برای حل و فصل حثائق تضاد اجتماعی و توسعه پیکره‌ای از تحلیل پیدایش و اصلاح‌نهادی. تحلیل‌های وبلن‌وآیزر از شکل‌گیری نظام عقیدتی انسان، از جمله نظام عقیدتی اقتصاددانان، تحت تأثیر کشمکش میان راه‌های سنتی و جدید انجام امور.

نسبت به نکته اخیر، نهادگرایان آزادانه مباحثت‌گرایی و گشایی ضمنی فروش عملیاتی تحلیل نئوکلاسیک را خاطر نشان ساخته‌اند. نهادگرایان اصرار می‌ورزند که با مفروض دانستن ساختار قدرت یا نهادی یا نوعاً با تصریح‌گرایی نهادها و ساختار قدرت، گرایش قوی به‌سوی دفاع استدلالی‌گرایی در اقتصاد ارتدوکس وجود دارد، به‌ویژه در کاری که در تشخیص راه حل‌های بهینه جهت‌گیری شده است. راه حل نهادگرا برای این‌گونه مسایل همان راه حل گوناومیردال است که می‌گوید: برای اجتناب از تظاهر به اقتصاد بدون ارزش می‌توانیم قضایای ارزشی عملیاتی که به‌طور صریح در اقتصاد وجود دارد را مطرح سازیم و سپس ارزیابی مربوط به آن را انجام دهیم.

بنابراین، اقتصاددانان نهادی گرایش داشته‌اند از توسل به فردگرایی روش شناختی اجتناب کنند و از تحقیق حل‌کننده معنا<sup>۳۲</sup> در مفاد الگوهای خالی از جسم نهادی و تأکیدکننده بر تعادل، بهیمنگی و بازارهای رقابتی محض، بهره‌مند. در عوض در تحلیل‌های نظری و تجربی به مسایل جهان واقعی مانند عملیات نهادی خاص، روابط

نحوه به کارگیری منابع را شکل داده و توضیح می‌دهند. نحوه نگرش به این فرآیند تعاملی که در آن ارزش‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند و از طریق آن‌ها تصمیم‌های مربوط به منابع اخذ می‌شود، متمایزترین خصیصه مکتب نهادی است، و آن را از سایر مکاتب فکری اقتصاد متمایز می‌سازد. مکتب نهادی بر فرآیند و تکامل به جای ایستگاه یا تعادل، تأکید می‌کند. از نظر نهادگرایان وضع طبیعی برای شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری اقتصادی، تضاد است نه

### اقتصاددانان نهادی گرایش داشته‌اند از توسل به فردگرایی روش شناختی اجتناب کنند و از تحقیق حل‌کننده معما در مفاد الگوهای خالی از تجسم نهادی و تأکیدکننده بر تعادل، بهینگی و بازارهای رقابتی محض بپرهیزند.

هماهنگی افزون بر آن نهادگرایان معتقدند که اقتصاد سیاسی، بازارها و قیمت‌ها را در تحلیل خود می‌گنجاند ولی تمرکز انحصاری بر آن‌ها دارد و فراتر از آن نمی‌رود. تمرکز واقع‌ی باید روی تحلیل فرایندی باشد که در آن در جامعه‌های نوین، ارزش‌های اجتماعی ظهور در کل فرایند تخصیص منابع منعکس می‌شود. به این ترتیب، نهادگرایان معتقدند که تأکید باید بر چگونگی شکل‌گیری ارزش‌ها و تغییر نظام ارزش‌گذاری طی زمان باشد نه چگونگی شکل‌گیری قیمت‌ها.

نهادگرایان با پیشرفت اقتصادی و ایده‌های پیشرفت سر و کار دارند، این که چگونه پیشرفت اقتصادی شکل گرفته است و چگونه تغییر می‌کند، به جای آن که فقط بر رشد اقتصادی تأکید کند. از آن‌جا که این پرسش‌ها با کل ساختار نهادی جامعه طی زمان درگیر است، «مکتب نهادی» نامیده شده است، هر چند شاید نام «اقتصاد تکاملی»<sup>۵۷</sup> مناسب‌تر باشد و توضیح می‌دهد که چرا نهادگرایان بیشترین تأثیر را در رشته اقتصاد توسعه<sup>۵۸</sup> داشته‌اند.

**سه بنیانگذار** ویلن خود را وقف بررسی انتقادی نظام سرمایه‌داری آمریکا کرد و برای مکتب نهادی موضوع مورد توجه وی یعنی محیط فرهنگی<sup>۵۹</sup> که تصمیم‌های اقتصادی اتخاذ می‌شود، رایج ارت گذاشت. وی با تفکیک میان ارزش‌های صنعتی و ارزش‌های پولی<sup>۶۰</sup> مباحث خود را آغاز کرد که به شکل‌های مختلف در اندیشه اغلب نهادگرایان یافت می‌شود. ارزش‌های صنعتی بیشتر از فرایند فن‌آوری به دست آمده است و هیچ‌جا این فرایند خودش را برجسته‌تر از طریق تأثیر صنعتی شدن بر اقتصادهای بی در پی سرمایه‌داری نشان نداده است. این جنبه از اقتصادهای در حال شکل‌گیری، مورد علاقه شدید «کامونز» بود. کامونز بر تأثیر صنعتی شدن بر اقتصادهایی متمرکز شد که قبلاً بیشتر توسط اقتصاددانان کلاسیک از طریق فروش اقتصاد رقابتی اسامی تجزیه و تحلیل شده بود.

از نظر کامونز تضاد ذاتی در جامعه، خود را در اختلافات مربوط به مدیریت - نیروی کار در ایالات متحده در حال صنعتی شدن طی ربع

دولت - کسب و کار و شرایط توسعه اقتصادی معطوف شده‌اند. تا آن‌جا که با تغییرهای اقتصادی مانند دولت و حقوق در سطح مفهومی بنیادین سروکار دارند، نهادگرایان دست کم تلاش کرده‌اند رویه تحلیلی معتبر و راه‌های غیرفرضی در پیش بگیرند.

معروف‌ترین روایت معاصر از اندیشه نهادگرایی در علم اقتصاد، توسط جان کنت گالبرایت<sup>۶۱</sup> بیان شده است. با دنبال کردن روشی که توسط ویلن پایه‌گذاری شد و پیوند زدن آن با روایتی از اقتصاد کنیزی، گالبرایت ماهیت شرکتی<sup>۶۲</sup> و شیوه‌های طرح‌ریزی نظام کسب و کار و اثر الزامات فن‌آورانه، شکل‌گیری اجتماعی ترجیحات فردی که مبنای توابع تقاضا است، قدرت و تعامل مستمر دولت (corporate core) و هسته شرکتی اقتصاد و عوامل و نیروهایی که بر شکل‌گیری دیدگاه‌ها و سیاست در بخش عمومی اثر می‌گذارد، را کشف کرد.

در رشته‌هایی مانند: اقتصادکار، سازمان صنعتی، توسعه اقتصادی، اقتصاد و حقوق، اقتصاد کشاورزی و منابع طبیعی و اقتصاد کلان، نهادگرایان از طریق توجه‌شان در وهله نخست به ساختار قدرت و نظام عقیدتی، در زمینه شامل شدن تحول اجتماعی و کنترل اجتماعی<sup>۶۳</sup> درک و تصویرهایی از واقعیت اقتصادی ارائه کرده‌اند که کاملاً متفاوت با درک و تصویرهایی است که اقتصاددانان نئوکلاسیک مطرح می‌کنند. این مباحث در آثار اخیر - افزون بر گالبرایت - جان آدامز<sup>۶۴</sup>، جک بارباش<sup>۶۵</sup>، کنت ای. بولدینگ<sup>۶۶</sup>، دانیل ر. فاسفلد<sup>۶۷</sup>، نندل سی. گوردون<sup>۶۸</sup>، آلن جی. گراشی<sup>۶۹</sup>، دیوید ب. همیلتون<sup>۷۰</sup>، گاردینر سی. مینر<sup>۷۱</sup>، والتر سی. نیتز<sup>۷۲</sup>، کنت پارسونز<sup>۷۳</sup>، والاس پیترسون<sup>۷۴</sup>، آن اشفید<sup>۷۵</sup>، رابرت سولو<sup>۷۶</sup>، بل استراسنمن<sup>۷۷</sup>، مارک تول<sup>۷۸</sup> و هاری م. ترینگ<sup>۷۹</sup> مطرح شده است. برخی از مباحث مکتب نهادی در مجله موضوعات اقتصادی<sup>۸۰</sup> به چاپ می‌رسد که توسط مؤسسه اقتصاد تکاملی<sup>۸۱</sup> منتشر می‌شود. روی هم رفته مکتب نهادی تحلیل دیگری از نظام اقتصادی مطرح می‌کند. به ویژه تحلیل دیگری از سرمایه‌داری و سوسیالیسم و نقدی از نظام‌های اقتصادی موجود و مکتب‌های ارتدوکس اقتصاد ارائه می‌کند.

\*\*\*

#### فیلیپ کلاین

«اقتصاد نهادی» اصطلاحی است که اغلب برای نامیدن آن مکتب فکری در اندیشه اقتصادی آمریکا استفاده می‌شود که با تورش ویلن جان. ر. کامونز و ولسلی کلر میشل<sup>۸۲</sup> همراه است. این نام برای نشان دادن تأکید این گروه بر فرایند تصمیم‌گیری اقتصادی در مقابل تمامی شرایط اجتماعی و فرهنگی است که در درون آن عمل می‌کند. اقتصاد نهادی اغلب به عنوان یک جنبش مخالف در مقابل فروش و دیدگاه نظریه اقتصادی کلاسیک و نئوکلاسیک توصیف شده است و منعکس‌کننده پیشینه آن در مکتب تاریخی آلمان، به خصوص گوستا و اشمولر<sup>۸۳</sup> و همچنین سوسیالیست‌های مدینه فاضله‌ای<sup>۸۴</sup> است. نهادگرایان معاصر استدلال می‌کنند که مکتب نهادی بیش از مخالفت صرف است.

اساس مکتب نهادی در این دیدگاه نسبت به اقتصاد قرار دارد که اقتصاد شامل نهادهایی (entities) است که انتخاب‌های جامعه در زمینه

به مکتب نهادی و رهیافت نهادگرایی بوده است. اکنون افراد به نسبت زیادی وجود دارند که معتقدند نهادگرایی امریکایی چیز زیادی دارد که به عنوان یک رهیافت برای مطالعه شرایط اقتصادی اروپا نیز ارائه کند. نهادگرایان اروپایی مؤسسه جدیدی به نام «مؤسسه اروپایی اقتصاد سیاسی تکاملی» را پایه گذاری کرده اند.

این مؤسسه در اواخر دهه ۱۹۸۰ سازماندهی شده است و اکنون نشست‌های سالانه برگزار می‌کند و تاکنون تعداد زیادی از اقتصاددانان اروپای غربی و شرقی را جذب کرده است. E.A.E.P.E.<sup>۶۸</sup> دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه اقتصاد سیاسی تکاملی است و اعضای آن نیز انتشارات فراولی داشته اند.

این دو مطلب ترجمه‌ای است به ترتیب از منابع زیر  
- Warren J. Samu, Institutional Economics, The New Palgrave Dictionary, Vol. 2, 1988.

پی‌نوشت:

Philip A. Klein, "Institutional Economics", in: Douglas Greenwald, (editor), the McGraw-Hill Encyclopedia of Economics, 2nd edition, McGraw Hill, 1994, pp. 551-554.

1. institutionalism. 2. Social Movement.
3. Hecrodox. 4. Max Weber.
5. John Hobson. 6. ambivalence.
7. mutually exclusive. 8. Thorstein Veblen.
9. Clarence Ayres. 10. John R. Commons.
11. Imperatives of Technology. 12. common core
13. purely conceptual. 14. Presumptive Optimality Modes.
15. antecedent normative assumptions.
16. Holism. 17. Evolutionism
18. taken as given. 19. socialized behaviour.
20. mechanics of choice. 21. unfettered market freedom.
22. working rules of civ. 23. emulation.
24. conspicuous consumption. 25. invidious.
26. John Dewey. 27. Business.
28. John Maurice Clark. 29. Wesley Mitchell.
30. pecuniary phenomenon. 31. selig perlman.
32. Edwin. F. Witte. 33. puzzle - solving.
34. Gohn kenneth Galbraith. 35. corporate nature.
36. social change and social emerol.
37. Daniel R. Fusfeld. 38. kenneth E. Boulding.
39. Jack Barbash. 40. John Adams.
41. Wandell C. Gordon. 42. Allen G. Gruchy.
43. David b. Hamilton. 44. Gardiner C. Means.
45. Walter C. Neals. 46. Kenneth Parsons.
47. Wallace Peterson. 48. A. Allen Schmid.
49. Robert Solo. 50. Paul Strassmann.
51. March tool. 52. Harry M. Trebing.
53. Journal of Economic Issues.
54. Association for Evolutionary Economics.
55. Wesley Clair Mitchell. 56. Gustav Schmoller.
57. Utopian socialism. 58. evolutionary
59. development. 60. cultral Milieu.
61. pecuniary values. 62. Economics of collective action.
63. National Bureau of Economic Research.
64. Richard Ely. 65. J.M. Clark.
66. Rexford Guy Tngwell. 67. Gardiner Means.
68. Walton Hamilton. 69. Robert F. Hoxie.
70. Selig Perlman. 71. A.B. Wolfe.
72. Morris Copeland. 73. Edwin. F. Witte.
74. Allan Gruchy. 75. Neoinstitution Alists.
76. Clarence Ayers. 77. Gerhard Colm.
78. With ered awy. 79. Thrusting.
80. European Association For Evolutionary political Economy. (E.A.E.P.E.)

قرن گذشته قرن نوزدهم و اولین ربع قرن بیستم توضیح می‌دهد که مستلزم دیدگاه جدیدی در نظریه اقتصادی است. دیدگاهی که کامونیزم آن را «اقتصاد اقدام جمعی»<sup>۶۹</sup> نامید. در این صورت نقش بزرگتر برای بخش عمومی، یک ملازمه اجتناب‌ناپذیر است.

میشل با توجه به همین پدیده‌های نوحاسته نتیجه گرفت که یک نیاز اولیه تحلیل اقتصادی، داشتن دانش بسیار عمیق‌تر از واقعیت‌های (facts) توسعه اقتصادی است تا آگاهی بیشتر از نظریه‌های اقتصادی که قبلاً تلقی شده است. استفاده میشل از آمار در تحلیل اقتصادی وی را به بیان‌گذاری دفتر ملی پژوهش اقتصادی<sup>۷۰</sup> سوق داد که به‌طور مرتب بر محتوای پژوهش اقتصادی در ایالات متحده اثر گذاشته است. دغدغه فکری اصلی وی بی‌ثباتی موجود در اقتصادهای دچار بی‌ثباتی بود که منجر به تألیف اثر راه‌گشای وی در تحلیل و اندازه‌گیری دور تجاری شد.

## نهادگرایان جدید

در پی سه بنیان‌گذار، تعدادی از اقتصاددانان به‌عنوان اقتصاددانان نهادگرا شناخته شده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ریچارد دالی<sup>۷۱</sup>، ج. م. کلارک<sup>۷۲</sup>، رگسford گای تاگول<sup>۷۳</sup> و گاردینر مینز<sup>۷۴</sup>. سایر نهادگرایان شامل: والتون هیلتون<sup>۷۵</sup>، رابرت ف. هاگسی<sup>۷۶</sup>، سیلک پرلس<sup>۷۷</sup>، ای. ویلک<sup>۷۸</sup>، موریس کوپلند<sup>۷۹</sup> و ادوین ف. ویت<sup>۸۰</sup>. در ۱۹۷۲ آلن گراسی<sup>۸۱</sup> اصطلاح «نهادگرایان جدید»<sup>۸۲</sup> را برای نسل دوم نهادگرایان پیشنهاد کرده اصطلاحی که وی به کار برد برای جان‌کنث گالبرایت، کلارنس آیزن<sup>۸۳</sup>، گونار میردل و گرهارد کولم<sup>۸۴</sup> بود. اگر این گروه نماینده برجسته‌ترین نهادگرایی باشد که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در این زمینه آثاری از خود به‌جای گذاشته‌اند، در آن صورت تعدادی از اقتصاددانان که اثرشان طی ربع قرن گذشته در «مجله موضوعات اقتصادی» وابسته به مؤسسه اقتصاد تکاملی» به چاپ رسیده است دنباله‌رو آنان بوده‌اند و نوشته‌های آنان به روشن‌سازی و پیشبرد دیدگاه‌های نهادگرایان اختصاص داشته است.

## تأثیر کنونی مکتب نهادی

درباره تأثیر کنونی مکتب نهادی اختلاف نظر وجود دارد. برخی مکتب نهادی را اساساً مخالفی می‌دانند که توسط سه نفر بنیان‌گذار آن مطرح شده است و اکنون حرکتی مرده است، پل ساموئل سن این دیدگاه را اتخاذ کرده است و می‌گوید که مکتب نهادی چهل سال پیش از بین رفته است.<sup>۸۵</sup> از سوی دیگر می‌توان گفت که بسیاری از دیدگاه‌های نهادگرایان اکنون در اندیشه جریان اصلی اقتصاد راه یافته است. علاقه کنونی در اقتصاد توسعه به ساختار نهادی که در درون آن تصمیم‌های اقتصادی اخذ می‌شود، متمرکز شده است. به‌طور دقیق به‌همان طریقی که نهادگرایان همواره بر آن بافشاری می‌کردند. توجه کنونی به کیفیت زندگی، هزینه‌های رشد اقتصادی را برای محیط زیست و جهت‌گیری نهایی که در آن فعالیت اقتصادی موتور<sup>۸۶</sup> جهان نوین است و علاقه به پیشرفت اقتصادی را منعکس می‌کند که مدت مدیدی مشخصه نهادگرایی به‌جای رشد صرف بوده است.

یکی از تحولات مهم‌تر در سال‌های اخیر افزایش علاقه اروپاییان